

با عرض سلام

فرازی از غزل شماره ۲۸۱۷ برگرفته از آموزش‌های جناب آقای شهبازی در برنامه ۹۷۱

– «وفای به آلت»

اگرم خصم بخندد، وگرم شِحنه ببندد

تو اگر نیز به قاصد به غضب دست بخایی

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۸۱۷

به تو سوگند بخوردم، که ازین شیوه نگردم

بکنم شور و بگردم، به خدا و به خدایی

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۸۱۷

برای درک بهتر و پایبندی به وفای عهد و پیمان که همانا پیمان و سوگند به الست می‌باشد، مواردی به

شرح زیر به‌عنوان تعهدِ بودن در این راه و پایبندی به سوگند عرض می‌کنم:

۱- سوگند خورده‌ام که با جزا و عدل حق آشتی کنم.

۲- سوگند خورده‌ام عاشقِ صنع او گردم.

۳- سوگند خورده‌ام ترک نازش کنم و با توکل به کن‌فکان تبدیل به ذره شوم.

۴- سوگند خورده‌ام صید او و کمان او گردم و سر را گم نکنم.

۵- سوگند خورده‌ام استیزه‌نمایی نکنم تا با عقل و خرد او هدایت شوم.

۶- سوگند خورده‌ام استکمال تعظیم نمایم تا به توحید زنده شوم.

۷- سوگند خورده‌ام رازدانِ یَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ گردم.

۸- سوگند خورده‌ام همواره برای گرفتن خِلعت او آماده گردم و در حضور آماده باشم.

۹- با صبر، تسلیم، شکر و پرهیز نهایتاً ندانم که چونم، ندانم که چنم.

۱۰- سوگند خورده‌ام ناموس و پندار کمال را در آتش عشق و فضای گشوده‌شده و با یاد او در هر لحظه

بسوزم و تبدیل به گلستان او شوم تا بگردم به خدا و به خدایی، و برای وفای به این سوگند در هر لحظه

بیت آخر غزل ۲۸۱۷ را نصب‌العین خود نمایم که می‌فرماید:

هله خاموش، که تا او لب شیرین بگشاید

بکند هر دو جهان را خضرِ وقت سقایی

مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۸۱۷

با احترام

داریوش از استرالیا